

شناسایی کارکردهای قدرت نرم در قدرت افکنی

محمود عسگری^۱، حسن شهباز^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

چکیده:

قدرت نرم از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که لازمه حیات هر نظام سیاسی در شرایط کنونی جهانی است. در همین راستا تحقیق حاضر با هدف شناخت و درک صحیح مهم‌ترین کارکردهای نرم قدرت در قدرت‌افکنی انجام شده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از پژوهشگران، از رهگذر این تحقیق بتوانند از آن بهره‌مند شود. پرسش اصلی تحقیق آن است که «کارکردهای قدرت نرم در قدرت‌افکنی چیست؟». نوع این تحقیق، توسعه‌ای - کاربردی است و اطلاعات این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه منابع معتبر فارسی و انگلیسی گردآوری شده است. به‌منظور اعتبارسنجی یافته‌ها، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخت بین ۴۰ نفر از خبرگان آشنا با مباحث سیاسی و امنیتی به‌عنوان نمونه آماری توزیع گردید. داده‌های گردآوری‌شده از پاسخ‌های خبرگان نیز با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد قدرت نرم دارای کارکردهایی تعیین‌کننده در قدرت‌افکنی است. قدرت نرم می‌تواند باعث تولید روند شود و با استفاده از «قدرت روند» می‌توان قدرت‌افکنی نرم‌افزارانه داشت. قدرت نرم، ظرفیت‌ساز و قابلیت‌پرور بوده و نقش معناداری در پیش‌برندگی قدرت‌افکنی برعهده دارد. قدرت نرم قادر به پیرایش و بازسازی محیط و تصویر ملی کشور در اذهان ملل و دولت‌های گوناگون است. قدرت نرم یکی از دو بال کشورها در نیل به اهداف و تأمین منافع و امنیت ملی است.

واژگان اصلی: قدرت، قدرت نرم، قدرت افکنی، کارکرد.

مقدمه

بر پایه ظرفیت و توان قدرت افکنی است که ایران در تمامی معادله‌ها و تحرکات منطقه‌ای نقش آفرین بوده و حتی دشمنان نیز نمی‌توانند نقش جمهوری اسلامی را نادیده بگیرند. بر چنین مبنایی است که رهبر معظم انقلاب بیان داشته‌اند:

«امروز شما می‌بینید، که در مسائل گوناگون این منطقه، همه قدرت‌های جهان عقیده دارند که حضور ایران، تعیین‌کننده است. این را دشمنان درجه یک ما هم دارند می‌گویند که برای حل مسائل منطقه، بدون حضور ایران هیچ تصمیمی قابل عملی شدن نیست». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹)

بر پایه آنچه بیان گردید می‌توان ادعای برخی نظیر شهرام چوبین^۱؛ که مدعی‌اند توانایی قدرت افکنی ایران محدود است (Chubin, 2009: 180) را رد نمود، اما در تأملی دقیق‌تر و با بررسی رخدادهای سال‌های اخیر در منطقه غرب آسیا، می‌توان دید که سطح بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در قدرت سخت، به درجه نسبتاً مطلوبی رسیده است و این مهم با شروع همگرایی ایران با سازمان همکاری‌های شانگهای سرعت افزون‌تری را نیز تجربه خواهد کرد. نکته قابل تأمل آن است که در کنار رشد قدرت سخت، لازم است به همان میزان به ارتقاء سطح قدرت نرم نیز توجه گردد. رهبر انقلاب در این باره می‌فرمایند:

«امروز آن چیزی که راه‌گشا است و تأثیرگذار است قدرت نرم است؛ قدرت سخت، تیر و تفنگ و مانند اینها، امروز در درجه بعد قرار گرفته قدرت نرم، تأثیرگذاری بر دلها و ذهنها و روحیه‌ها، این مهم است». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۵/۵)

حال با عنایت به مقدمه ذکر شده، لازم است بیش از پیش نسبت به چگونگی بهره‌مندی از قدرت نرم و سازوکارهای ارتقاء آن در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بحث و تحقیق شود. محققین مقاله حاضر با هدف متج نمودن ظرفیت‌های قدرت نرم در کشور و استفاده مفید از آن در معادلات منطقه‌ای و جهانی (قدرت افکنی) به سراغ شناسایی و تأمل بر کارکردهای قدرت نرم در قدرت افکنی رفته‌اند.

امروزه بسیاری از کشورها، ثبات را در تحول و دفاع را در پیشروی معنا نموده‌اند؛ به عبارتی دولت‌ها برای برخورداری از صلح و بازدارندگی فعال و معتبر، چاره‌ای جز استفاده از ظرفیت‌های

1. Shahram Chubin

قدرت ملی در قالب قدرت افکنی ندارند. برای جمهوری اسلامی ایران نیز که در محیطی پرآشوب قرار داشته و در معرض انواع توطئه‌ها و تهدیدات قرار دارد، تأمین، حفظ و ارتقای امنیت جزو اولویت‌های نخست است. در چنین شرایطی می‌توان مدعی شد افزون بر ظرفیت‌های قابل تحسین ساخت‌افزایی کشور، قدرت نرم جمهوری اسلامی نیز در فرایند قدرت افکنی کشور باید مورد بهره‌برداری قرار گیرد؛ واقعیتی که چندان مورد توجه اندیشمندان قرار نگرفته و تاکنون تحقیقی مبتنی بر روش‌های علمی در این خصوص انجام نشده است که مسئله این تحقیق به شمار می‌آید.

در مورد اهمیت این تحقیق باید گفت که انجام این تحقیق باعث شناسایی کارکردهای قدرت نرم در قدرت افکنی کشور می‌شود. پُر کردن بخشی از خلأ موجود در ادبیات راهبردی کشور، دیگر وجه اهمیت این موضوع تحقیق است، همچنین این پژوهش موجب افزایش گستره و عمق مطالعات در حوزه مطالعات قدرت نرم و نیز تدقیق بر کارکردهای آن در قدرت افکنی خواهد شد؛ به گونه‌ای که بسیاری از پژوهشگران این حوزه، می‌توانند از نتیجه حاصل از تحقیق حاضر، در مطالعات و پژوهش‌های خود استفاده نمایند.

در رابطه با ضرورت انجام این پژوهش نیز باید گفت که نپرداختن به این موضوع، موجب نشاختن ظرفیت‌های قدرت نرم و غفلت از آنها در فرایند قدرت افکنی خواهد بود. تداوم خلأ موجود در ادبیات راهبردی کشور در خصوص نقش و کارکرد قدرت نرم در قدرت افکنی از دیگر آسیب‌هایی است که بی‌توجهی به این موضوع باعث تداوم آنها خواهد شد، همچنین بی‌توجهی به سازوکارهای قدرت نرم در کنار پیشرفتی که در حوزه قدرت سخت تجربه شد، باعث رشد غیرمتوازن در حوزه توسعه قدرت در ایران خواهد شد و در نهایت موجب حرکت کشور، به‌طور ناقص و ناهماهنگ می‌شود، بنابراین در صورت انجام این پژوهش به کاستی‌های یادشده پاسخ داده می‌شود.

مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر، رسیدن به الگوی تحلیلی از مهم‌ترین کارکردهای بعد نرم قدرت در قدرت افکنی است؛ به طوری که بسیاری از محققین، از رهگذر این تحقیق بتوانند در این نظام تحلیلی، با شناخت دقیق و جامع از آن، بهره‌مند شوند؛ در این ارتباط، مواردی نیز به عنوان اهداف فرعی در نظر گرفته شده‌اند: الف. شناسایی و تحلیل کارکردهای مؤثر در قدرت نرم؛ ب. نسبت هر کدام از کارکردهای بیان‌شده در مسیر قدرت افکنی با هدف ارتقاء اعماق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه نرم. همچنین پرسش اصلی عبارت است از: «کارکردهای قدرت نرم در قدرت افکنی چیست؟». در همین ارتباط سؤال‌های فرعی طراحی شده‌اند که عبارتند از:

کارکردهای مناسب قدرت نرم چیست؟ هرکدام از این کارکردها، چه نقشی در قدرت‌افکنی خواهند داشت؟ بنابراین با توجه به موارد یافت‌شده بعد نواورانه پژوهش حاضر مشخص خواهد شد؛ به این صورت که نگارندگان در این تحقیق، خود را محدود به بحث صرف در حوزه قدرت نرم ننموده و با بهره‌مندی از شناسایی مهم‌ترین کارکردهای آن، تلاش می‌کنند تحلیل جامعی از نسبت میان کارکردها و بحث قدرت‌افکنی ارائه دهند.

پیشینه تحقیق

مهم‌ترین منابعی که می‌توان در حوزه موضوعی قدرت نرم و قدرت‌افکنی برای پیشینه تحقیق حاضر در نظر گرفت، عبارت‌اند از:

پژوهشی با عنوان «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۰) توسط جمعی از نویسندگان انجام شده است. این تحقیق تلاش دارد با رویکردی توصیفی-تحلیلی به شناسایی عوامل و مؤلفه‌های قدرت نرم بپردازد و جایگاه این مؤلفه‌ها را در قدرت نرم ایران بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های قدرت نرم در مجموع اثرگذاری مثبتی بر قدرت ملی ایران دارند، اما کشور ما نتوانسته است از مؤلفه‌های فراملی مؤثر بر قدرت نرم بهره‌برداری بهینه و مناسبی کند.

اثر دیگری با عنوان «برایند کاربست قدرت نرم در سیاست خارجی» (۱۳۹۸) توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، راهبری و نگارش شده است. این تحقیق با تمرکز بر روابط خارجی میان ایران و برخی از کشورهای نظیر چین، به مطالعه اقدامات این کشورها در ارتقای قدرت نرم و کاربرد آن در سیاست خارجی خود نموده است.

«ایران و قدرت‌افکنی راهبردی» عنوان تک‌نگاره‌ای است که نایت^۱ نگارش آن را بر عهده داشته است. نویسنده در این مطلب، تلاش کرده فهم و درکی از پویایی و بستر عقلانی قدرت‌افکنی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قرن ۲۱ ارائه نماید. در این راستا، از منظر جنگ ایران و عراق به موضوع نگاه شده و این بحث مطرح گردیده است که در خلال این جنگ، ویژگی‌هایی از سوی ایران بروز داده شده که امروزه نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. (Knight, 2007) نویسنده پس از ارائه مباحث نظری در مورد قدرت‌افکنی، به عناصر قدرت ملی ایران اشاره می‌کند. به گمان او در

1. Knight

بین کشورهای مسلمان به‌ویژه ایران، اسلام دارای قدرت بسیاری به‌خصوص در بسیج نیروهاست، همچنین فرهنگ و پیشینه تاریخی نیز از عوامل اصلی قدرت‌افکنی ایران معرفی شده است. در مجموع «نابت» معتقد است که ایران با استفاده از تجارب جنگ تحمیلی و ظرفیت‌های فراوانی که در حوزه قدرت ملی در اختیار دارد، دارای مقدرات مناسبی برای قدرت‌افکنی در قرن ۲۱ می‌باشد.

«خانه در آتش: گفتگوهای امنیتی منطقه‌ای ناتو و قدرت‌افکنی ایران» نیز عنوان مقاله‌ای است که ایمانوئل آدلر^۱ آن را نوشته است. نویسنده در این مقاله کوشیده است از زاویه امنیت و منافع رژیم صهیونیستی، موضوع را مورد بررسی قرار دهد. به باور نگارنده، در شرایط کنونی، رژیم صهیونیستی در وضعیتی قرار گرفته که اگر اقدامی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام دهد و یا چنانچه اقدامی انجام ندهد، در هر دو حالت، متضرر خواهد بود؛ به عبارتی هرگونه مواجهه احتمالی ایران و رژیم صهیونیستی در نهایت به ضرر آن رژیم منجر می‌شود. نویسنده بر این باور است که ایران با پیگیری راهبرد «اصطکاک تا فروپاشی»^۲ علیه تل‌آویو، تلاش دارد این رژیم را سرنگون کند. نویسنده در بخش پایانی مقاله خود، پیشنهاد می‌دهد که رهایی رژیم صهیونیستی از این شرایط بحرانی و وخیم در گرو ساختاردهی مجدد غرب آسیا است که پیش‌شرط‌های مهمی دارد. (Adler, 2009)

«خطرناک اما نه قدرت مطلق» عنوان تک‌نگاره‌ای است که مؤسسه رند آن را در سال ۲۰۰۹ منتشر نمود. (Wehrey, 2009) در این تحقیق نیز به نوعی موضوع قدرت‌افکنی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نویسندگان این مطلب، قدرت‌افکنی ایران را از جمله چالش‌های آمریکا برشمرده‌اند. به‌گمان آنها جمهوری اسلامی در پی استفاده از شرایط جدید به‌وجود آمده و پیگیری برنامه‌هایی مبتنی بر واقع‌گرایی است، البته ایران برای قدرت‌افکنی در کنار فرصت‌ها با محدودیت‌هایی نیز مواجه می‌باشد. به هر حال به باور آنها هدف ایران از ارتقای توان قدرت‌افکنی خود، تثبیت وضعیت خویش به عنوان قدرت منطقه‌ای است. نکته قابل توجه آن است که در این نوشتار، ماهیت قدرت‌افکنی ایران، «دفاعی» بیان شده است. در این تک‌نگاره بر توانمندی‌های موشکی و قدرت دریایی ایران به‌مثابه ابزارهای قدرت‌افکنی جمهوری اسلامی تأکید شده است. در کنار این مباحث بر قدرت‌افکنی نرم‌افزارانه ایران نیز توجه گردیده است. موفقیت جمهوری اسلامی در همسو کردن افکار عمومی کشورهای عرب منطقه جلوه بارز این موضوع به‌شمار آمده است؛

1. Emanuel Adler

2. Attrition until Implosion

به‌عبارتی این صاحب‌نظران نیز به قدرت نرم ایران اذعان دارند که مبتنی بر گفتمان انقلابی و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ می‌باشد. ایران با منطق توانسته قلوب و اذهان مردم منطقه را جلب و جذب کند و نوعی قدرت‌افکنی نرم داشته باشد.

همان‌گونه که مشخص گردید عناوین یادشده، از منظرهایی غیر از قدرت نرم و کارکردهای آن به تحلیل و تحقیق پرداخته‌اند و بسیاری از آنها، فقط محدود به قدرت سخت شده‌اند، اما در این مقاله ابتدا با شناسایی مهم‌ترین کارکردهای قدرت نرم و سپس در بحثی تلفیقی با مسئله قدرت‌افکنی، نوآوری لازم را در بر خواهد داشت و از این‌رو گاهی مؤثر در توسعه مطالعات و پژوهش‌های حوزه قدرت (نرم/سخت) خواهد بود.

مبانی مفهومی و نظری

قدرت

برخی قدرت را توان ایجاد تغییر یا ایستادن در برابر آن می‌دانند و برخی دیگر، آن را توانایی دستیابی به خواسته‌ها دانسته‌اند (نای، ۱۳۹۲: ۴۶). راسل معتقد است در بحث از قدرت باید فقط نتایج مطلوبی که در بر دارد را بحث و تعریف کرد (راسل، ۱۳۶۷: ۵۷)، اما داورزه معتقد است: مفهوم قدرت بسیار وسیع و مبهم بوده و نمی‌توان یک تعریف مشخص برای آن در نظر گرفت (داورزه، ۱۳۵۸: ۲۰). این تعاریف نشان می‌دهد که قدرت را نمی‌توان در یک بعد سخت یا نرم در نظر گرفت؛ چراکه نگاه تک‌بعدی باعث محدودیت در ارائه تعاریف می‌شود، بنابراین در تعریف قدرت افزون به ماهیت و جوهره آن، ابزارهای رسیدن به آن نیز باید مد نظر قرار گرفته و با تلفیق دو فضای مادی و ذهنی، به تقسیم‌بندی قدرت بر اساس بعد سخت و نرم نائل شد که در این تحقیق قدرت نرم در مرکز توجه محققین قرار دارد.

قدرت نرم

قدرت نرم، تحول مثبت و ارزنده‌ای در تحول مفهوم قدرت به شمار می‌آید. (آتشی، حافظ‌نیا، رومینا، پورعزت، ۱۴۰۱: ۲۰۹) قدرت نرم، شیوه غیرمستقیم حصول به نتایج دلخواه است. بر خلاف قدرت سخت که بر پاداش و یا تهدید مبتنی است، قدرت نرم، بدون پاداش و تهدید، اعمال می‌شود و در واقع توانایی دستیابی به نتیجه دلخواه از راه جذب کردن نه از راه اجبار و یا پاداش است. ماهیت

قدرت نرم بر مبنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران استوار است و این امر به گونه‌ای ناملموس و با استفاده از جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی انجام می‌شود. اگر کشوری ارزش‌هایی ارائه کند که دیگران خواهان پیروی از آن باشند، هزینه کمتری برای نیل به اهداف خود خواهد پرداخت (Nye, 2002: 6). به گمان نای، ویژگی استفاده از قدرت نرم، راه‌های گوناگونی است که می‌توان با استفاده از آنها به نتایج مطلوب رسید (نای، ۱۳۸۷: ۴۵). برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه «اجبار»^۱، «پاداش»^۲ و «جذب و اقناع»^۳ یا قدرت نرم وجود دارد (Nye, 2006: 3). وی سه مهارت را در اعمال قدرت نرم ضروری می‌داند: نخستین مهارت، هوش هیجانی است که به معنی توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران می‌باشد. دوم، ایجاد تصویری از آینده که دیگران را جذب کند و سوم، مهارت‌های ارتباطی است که شامل مهارت‌های بیانی و همچنین توانایی استفاده از ابزارهای ارتباطی غیرکلامی می‌باشد (Nye, 2008). نای به‌گونه‌ای ضمنی اذعان دارد که نهادهای جامعه مدنی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، دانشگاه‌ها، کلیساها، مؤسسات و سایر گروه‌های غیردولتی از جمله کانون‌های تولیدکننده قدرت نرم به‌شمار می‌آیند (نای، ۱۳۸۷: ۶۰). به نظر نای، قدرت نرم یک کشور سه منبع اصلی دارد: فرهنگ (در مکانی که برای دیگران جذابیت دارد)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که در داخل و خارج به این ارزش‌ها وفادار هستید و بر اساس آن عمل می‌کنید) و سیاست خارجی (زمانی که مشروع تلقی می‌شوند و دارای اقتدار اخلاقی هستند). (صادقی، ۱۴۰۱: ۲۱۴)

برگر^۴، در بحث پیرامون ابعاد فرهنگی جهانی شدن بیان می‌دارد که فرهنگ‌های برخوردار از جذابیت نرم به منزله تهدیدی برای فرهنگ‌های دیگر محسوب می‌شوند (Berger, 1997). از این بیان می‌توان چنین نتیجه گرفت که قدرت نرم یک کشور، برای کشورهای آماج، تهدید تلقی می‌شود؛ چرا که جذابیت حاصل از قدرت نرم کشور مبدأ، ناخواسته بر افکار، باورها و رفتار، به ویژه رفتار سیاسی مردم کشور مقصد تأثیر می‌گذارد و نظام و نظم مستقر کشور مقصد را دچار چالش می‌سازد. به گمان این گروه از صاحب‌نظران، کشورهای برخوردار از قدرت نرم بالا، جاذبه ویژه‌ای برای مردم کشورهای نابرخوردار از این منابع قدرت دارند، از این‌رو همواره آن کشورها را تهدید می‌کنند.

1. Coercion
2. Payment
3. Attraction
4. Berger

قدرت افکنی

قدرت افکنی^۱ از جمله مفاهیم راهبردی است که در مقاطع گوناگون تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است؛ برای مثال در خلال جنگ سرد و به واسطه ویژگی‌های نظام بین‌الملل، قدرت افکنی این‌گونه تعریف شده بود: «توانایی توسعه زیرساخت‌های نفوذ که شامل طیف گوناگونی از سازوکارها مانند پیمان‌های دفاعی و... می‌شود را قدرت افکنی گویند.» (Thompson, 1978: 7)

این تعریف به‌خوبی تبیین‌کننده دلایل تمایل قدرت‌های بزرگ برای انعقاد پیمان‌های دفاعی با کشورهای مهم دیگر در خلال جنگ سرد می‌باشد. پیمان‌های ناتو، ورشو، ستو و... از نمونه‌های بارز این سیاست به‌شمار می‌آیند. با پایان جنگ سرد و تغییر ساختار نظام بین‌الملل که الزام‌های خاص خود را دارد، تعاریف نوینی از قدرت افکنی ارائه شد.

قدرت افکنی، امکان استفاده از منابع قدرت را فراهم نموده و باعث کاهش هزینه‌های عملیاتی و آمادی می‌شود. قدرت افکنی مستلزم قابلیت‌های تحرک قابل توجهی است. (Lohse, 2019: 10)

برخی بر این باورند که: «قدرت افکنی عبارت از کاربرد محدود قدرت نظامی از سوی دولتمردان برای رسیدن به اهداف سیاسی در خارج از سرزمین‌های اصلی کشور، می‌باشد.» (Gunzinger, 1993: 1)

اما به نظر می‌رسد تعریف زیر جامع‌تر و مناسب‌تر باشد: «قدرت افکنی، کاریست عناصر مادی و غیرمادی قدرت ملی یک دولت (درون/فراسوی مرزهای ملی) برای تحت تأثیر قرار دادن یا وادار کردن دولت رقیب/دشمن برای انجام رفتار مورد نظر، جهت دستیابی به اهداف ملی است.»

نظریه پخش/اشاعه

از مهم‌ترین نظریه‌هایی که برای تحقیق حاضر می‌تواند کاربرد داشته باشد، نظریه پخش یا اشاعه است. این نظریه در سال ۱۹۵۳ از سوی هاگر استرنند ارائه شد. اشاعه یا پخش، فرایندی است که طبق آن یک امر فرهنگی که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری وارد شده و مورد پذیرش مردم قرار می‌گیرد. این روند اغلب در مهاجرت جمعیت‌ها که حاصل تماس‌های مداوم و زیاد با جوامع همسایه است، تشخیص می‌دهند. در این نظریه، پخش یا اشاعه می‌تواند حالات گوناگونی داشته باشد که عبارت‌اند از: پخش جابجایی، پخش سلسله‌مراتبی، پخش سرایتی یا واگیردار (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۲ به نقل از پانوف و پرون، ۱۳۳۸: ۱۱۳).

روش تحقیق

نوع این تحقیق، توسعه‌ای - کاربردی است. اطلاعات این تحقیق با دو روش «اسنادی و کتابخانه‌ای» (با ابزار فیش‌برداری و مطالعه منابع معتبر فارسی و انگلیسی) و «میدانی» (با ابزار تهیه و توزیع پرسشنامه) گردآوری شده است. جامعه آماری، ۴۰ نفر از خبرگان سازمان‌های اطلاعاتی و اساتید دانشگاهی که حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد بوده و حداقل شش سال به عنوان مدیر/فرمانده یا استاد در بخش‌های سیاسی - امنیتی و تدریس دروس مرتبط انجام وظیفه کرده‌اند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و به صورت تمام‌شمار انتخاب شده‌اند. روش پژوهش، زمینه‌ای موردی با رویکرد کمی است. برای اعتبارسنجی یافته‌های تحقیق نیز پرسشنامه‌ای تنظیم شد که ۱۲ پرسش بسته آن از طریق طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی گردید. در طراحی پرسشنامه با روش دلفی و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، استادان، خبرگان سیاسی، شناسایی و سپس پرسشنامه‌ی مقدماتی تهیه و دو مرحله بین خبرگان توزیع شد و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه‌ی نهایی تهیه گردیده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و توزیع دو مرحله‌ای پرسشنامه استفاده شده و برای تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده و یک نمونه اولیه بین خبرگان و کارشناسان پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۸ به‌دست آمد، بنابراین پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد لازم برخوردار می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

اول. تجزیه و تحلیل توصیفی

نظر به موضوع تحقیق، اعضای جامعه نمونه از بین صاحب‌نظران علوم سیاسی و امنیتی و اساتید دانشگاهی انتخاب شدند تا ضریب پایایی افزایش یابد. ویژگی جامعه و نمونه آماری موردنظر در قالب جدول زیر بیان شده است:

جدول مشخصات جامعه آماری

مدرک تحصیلی	تعداد	رشته تحصیلی	تعداد
دکتری	۳۲	امنیت ملی	۱۷
کارشناسی ارشد	۸	جامعه‌شناسی	۱۰

۱۰	علوم سیاسی	-	-
۳	مطالعات فرهنگی	-	-

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌گردد از ۴۰ نفر جامعه نمونه ۳۷ نفر دارای رشته تحصیلی علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و امنیت ملی هستند؛ به عبارتی بیش از ۹۲ درصد دارای رشته تحصیلی کاملاً مرتبط می‌باشند. از آنجاکه رشته تحصیلی جامعه نمونه متنوع است، بنابراین دارای روایی و پایایی لازم می‌باشد، همچنین ۳۲ نفر معادل ۸۰ درصد نیز دارای مدرک دکترا می‌باشند، به همین دلیل جامعه نمونه از دانش خوبی برخوردار است.

دوم. تجزیه و تحلیل استنباطی

(۱) شناسایی و دسته‌بندی کارکردها

قدرت نرم، موتوری است که روابط بین‌الملل و بین‌الدول را به پیش می‌برد. قدرت نرم، برآیندی از ایدئولوژی، نظام اجتماعی، سازوکار اجتماعی، سبک زندگی، الگوی توسعه، سنت فرهنگی، ارزش، ویژگی‌های قومی، اعتقادات مذهبی، منابع اطلاعاتی، وابستگی متقابل و... می‌باشد. اگر درون‌مایه قدرت نرم متشکل از این عناصر است، بنابراین این قدرت را با کارکردهای زیر می‌توان در قدرت‌افکنی به خدمت گرفت:

قدرت نرم به مثابه فیلتر شناختی

قدرت نرم می‌تواند به نوع نگاه مردم و نخبگان به پدیده‌ها و ارزیابی آنها از وقایع شکل دهد؛ به عبارتی کشور الف می‌تواند با استفاده از قدرت نرم، دریچه‌ای را برای طرف مقابل ایجاد کند که جهان را بر مبنای آنچه از این دریچه می‌بیند، درک کند و این همان قدرت‌افکنی نرم است، از این‌رو فرهنگ نقش فراوانی در فرایندهای تصمیم‌سازی ایفا می‌نماید؛ چرا که شناخت، شالوده تصمیم است؛ به عبارتی تصمیم‌گیران در برخورد با مسائل و شرایط نوین بر مبنای عناصر یادشده رفتار می‌نمایند. (مرادزاده، ۱۳۹۸) جوامع سیاسی تحت تأثیر تفاوت‌های اجزای تشکیل‌دهنده قدرت نرم (از جامعه‌ای به جامعه دیگر) هستند. ناکامی در درک این تفاوت‌ها منجر به شناخت نادرست و قضاوت‌های اشتباه خواهد شد.

قدرت نرم و اجرای راهبردها

بدیهی است بدون برخورداری از قدرت، رسیدن به اهداف، عملی نخواهد بود. دولت‌ها با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای قدرت نرم، هزینه‌های اجرای راهبردهای خود را بسیار کاهش می‌دهند. (حسینی، اردشیر، ۱۳۹۷: ۷۲)

در فرایند اجرای راهبردها، هنر حکومت‌ها آن است که بتوانند با بهره‌گیری از قدرت نرم، اهداف راهبرد خود را نزد افکار عمومی دولت‌ها و ملت‌های دیگر موجه و ارزشمند جلوه دهند. در صورتی که انجام این مهم میسر گردد، آن دولت می‌تواند امیدوار باشد نه تنها دیگر دولت‌ها در برابر راهبرد یادشده جبهه‌گیری نموده و مانع‌تراشی ننمایند، بلکه با تخصیص برخی از منابع، دستیابی به هدف‌های تعیین‌شده را تسهیل کنند.

قدرت نرم و آینده‌سازی

قدرت نرم از قابلیت خلق آینده بهره‌مند است. شناخت آینده به‌مثابه یک مفهوم انتزاعی همواره مورد توجه انسان و جوامع بشری بوده است. در عصر کنونی در کنار این علاقه دیرینه، تمایل فراوانی در رابطه با آینده‌سازی ایجاد شده است. این نکته مبرهن است که دولت‌ها تلاش دارند زمان و محیط آینده را متناسب با خواست‌ها و توانمندی‌های خود شکل دهند و بسازند که جلوه‌ای از قدرت‌افکنی است. خلق چنین آینده‌ای متضمن تأمین امنیت/منافع ملی آن بازیگر خواهد بود. این «ساختن» نیاز به نوع ویژه‌ای از مواد و مهندسی دارد. شکی نیست که اجزای قدرت نرم و مهندسی این نوع قدرت، در ساختن آینده، منزلتی ارزنده دارند.

قدرت نرم و شکل‌دهی به اولویت‌ها و ترجیحات

موضوع قدرت نرم، اقتناع دولت‌ها برای تغییر در اولویت‌ها و رفتارشان است. در یک تقسیم‌بندی کلی، قدرت را می‌توان به قدرت دستور^۱ و قدرت انتخاب^۲ تفکیک نمود. قدرت دستور عبارت است از توانایی تغییر آنچه دیگران انجام می‌دهند و قدرت انتخاب عبارت است از توانایی تغییر آنچه دیگران می‌خواهند. قدرت نوع نخست با قدرت سخت و قدرت نوع دوم با قدرت نرم

1. Command Power

2. Cooptive Power

انطباق دارد، بنابراین می‌توان اذعان داشت که یکی از کارکردهای اصلی قدرت نرم، توانایی شکل دادن به ترجیح‌های دیگران می‌باشد. (Nye, 2004) ناگفته‌مشخص است ترجیح‌ها، یکی از معیارها و راهنماهای اصلی رفتار دولت‌هاست.

مقاومت بالای قدرت نرم در برابر کنترل‌پذیری

ماهیت و چگونگی اعمال و اثرگذاری قدرت نرم به‌گونه‌ای است که حکومت‌ها با صرف هزینه‌های فراوان (مستقیم/ غیرمستقیم، مادی/ غیرمادی) می‌توانند به‌میزانی آن را کنترل نمایند. با وقوع انقلاب ارتباطی/اطلاعاتی و تحول مبنایی فناوری‌های نرم، این قدرت فراسوی مرزبندی‌های طبیعی، مصنوعی و سیاسی، جریان داشته و دولت‌ها نیز ابزار چندانی برای مهار و مقابله با آن در اختیار ندارند. (تقوی رضوانی، سلطانی‌فر، درزیان رستمی، حسینی‌دانا، ۱۴۰۲) این ویژگی قدرت نرم، ضریب نفوذ و میزان اثربخشی آن را افزایش می‌دهد.

قدرت نرم و ترسیم تصویر ملی

تصویر یک ملت، سرمایه سیاسی و اقتصادی است که نشان‌دهنده جایگاه آن در عرصه بین‌المللی است که نوعی قدرت نرم است (Wang, 2006: 91-96) و جلوه‌ای از قدرت‌افکنی است. تصاویر مثبت و منفی یک کشور می‌تواند بر نفوذ بین‌المللی کشورها، منافع اقتصادی و قدرت آن در صحنه بین‌المللی اثرگذار باشد. (Kinsey, Chung, 2013: 1-2) تسهیل و تسریع در ایجاد اجماع بر سر اهداف کلان و راهبردی کشور از مزایای ارزشمند تصویرسازی ملی است. تصویر پیچیده بین‌المللی برای کشور، از طریق دیپلماسی عمومی، مبادلات آموزشی و فرهنگی، سرمایه‌گذاری خارجی و ترویج صادرات، گردشگری، ورزش و سیاست امکان‌پذیر است. هر چه تصویر یک کشور بزرگ‌تر، غنی‌تر و پیچیده‌تر شود، مردم بهتر احساس کنند که آن کشور و مردم و نهادهای آن را می‌شناسند، در برابر اخبار منفی انعطاف‌پذیرتر می‌شوند. (Anholt, 2009: 170-173) تصویر ملی مطلوب، به بازگرداندن/افزایش اعتبار بین‌المللی و اعتماد سرمایه‌گذاران، افزایش نفوذ سیاسی بین‌المللی، مشارکت‌های بین‌المللی قوی‌تر کمک کرده و ملت‌سازی را با تقویت اعتماد، غرور، هماهنگی، جاه‌طلبی، تصمیم‌گیری ملی، تقویت می‌کند. (GÜNEK, 2018) با توجه به آنچه بیان شد و نقش مهم تصویر ملی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم در قدرت‌افکنی، برخی از

اندیشمندان، مفهوم برندینگ و برندسازی ملی را مطرح کردند که عبارت است از تغییر، بازسازی و دگرگون کردن تصویر یک کشور در خارج از آن که توسط مردم و افکار عمومی خارجی ادراک شده است. برندینگ کشور در اصل هم‌تراز کردن تصویر یک ملت با واقعیت است. (Sengupta, 2016: 2-3)

قدرت نرم و کاربست دیپلماسی نظامی

در قدرت‌افکنی می‌توان از مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت بهره گرفت. به باور اندیشمندانی همچون جوزف نای یکی از نیروها و نهادهایی که در حوزه نرم می‌تواند قدرت تولید کند، ارتش و نظامیان است. (نای، ۱۳۸۷: ۲۰۶) در این میان، دیپلماسی نظامی، حوزه‌ای است که ارتش می‌تواند در آن به فعالیت پرداخته و به‌عنوان یک منبع تولید قدرت نرم، از آن بهره‌برداری کند. (Lum, 2008) امروزه از دیپلماسی نظامی به‌عنوان قدرت نرم نظامی یاد می‌شود (Mayerchak, 2008) که در قدرت‌افکنی، جایگاه ویژه‌ای یافته است و هزینه‌های قدرت‌افکنی را به شدت کاهش می‌دهد. دیپلماسی نظامی، بخشی از راهبرد دیپلماسی ملی است. این دیپلماسی باید مبتنی بر منافع و مناسبات ژئوپلیتیکی و امنیتی باشد که آنها هم نشأت گرفته از تلاش دولت‌ها برای بهسازی و بهبودگی محیط امنیتی بین‌المللی است. هدف از دیپلماسی نظامی، حمایت از منافع ملی نظیر حفظ یا برقراری محیط امنیتی صلح‌آمیز، نوسازی شیوه نظامی و تقویت نفوذ آن کشور در دیگر کشورهاست که جلوه بارز قدرت‌افکنی می‌باشد. (Krishnaswamy, 2007) هنر دیپلماسی نظامی نیز آن است که با استفاده از منابع محدود، دستیابی به منافع ملی خود را به حداکثر برساند و بتواند سهم مناسبی از منابع ملی را به خود اختصاص دهد. (Yashairo, 2005)

قدرت نرم و گفتمان‌سازی

از ابعاد نرم‌افزاری قدرت‌افکنی، گفتمان‌سازی است. چنانچه دولت‌ها، سازوکارها، ماهیت و کارکرد گفتمان‌سازی را به‌خوبی بشناسند، قادر خواهند بود شعاع اثربخشی خود را گسترش دهند. به‌ویژه آنکه ماهیت نرم‌افزارانه این قدرت‌افکنی، می‌تواند از موانع سخت‌افزاری به‌راحتی عبور نموده و به‌راحتی بر «قلوب و اذهان» مخاطبان تأثیر گذارد. گفتمان‌سازی به‌معنی ایجاد فضایی است که در آن بتوان «قلوب و اذهان» را در راستای اهداف و منافع خود، جهت‌دهی نمود و یا در صورت امکان

آن را شکل داد. به اعتقاد افرادی همچون رابرت ااتمن^۱ رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب در کنار تحرکات دیپلماتیک از اصلی‌ترین ابزار موجود برای تولید گفتمان و مآلاً قدرت افکنی به‌شمار می‌آیند (Entman, 2003) و (Hardy, 1999).

بی‌تردید در خلال دو قرن گذشته، وسایل ارتباط جمعی و همچنین فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در حفظ برتری قدرت‌های بزرگ نقش بسیار مهمی داشته‌اند (معمدنزاد، ۱۳۸۰: ۹-۸) در همین راستا در خصوص توان قدرت افکنی و اثرگذاری رسانه‌ها، مارشال مک‌لوهان^۲ معتقد است: «ارشمیدس گفته است یک نقطه اتکا در جهان به من نشان دهید تا من با آن دنیا را تکان دهم. مک‌لوهان اعتقاد دارد اگر امروز ارشمیدس زنده بود، به‌طور قطع رسانه‌های ما را با انگشت نشان می‌داد و می‌گفت من چشم‌ها، گوش‌ها، اعضا و مغزهای شما را به‌عنوان نقطه اتکا به‌کار می‌گیرم و دنیا را آن‌گونه که مایلم به حرکت در می‌آورم». (دادگران، ۱۳۷۷: ۹۱). دولتی که بتواند در کنار استفاده از چنین روش‌هایی، با رایزنی‌های متراکم و گسترده، دیدگاه نخبگان اجرایی را نیز با خود همراه نماید، ایده‌های آن کشور به گفتمان‌هایی تبدیل خواهد شد که بدون حضور فیزیکی، جریان‌اتی را هم‌سو با منافع و اهدافش ایجاد می‌نماید و فشارهای قابل توجهی را تولید خواهد نمود.

قدرت نرم و صدور الگو

انقلاب اسلامی در ذات خود ماهیتی قدرت افکنانه دارد و این مطلب به ماهیت انقلاب برمی‌گردد. از راه‌های فهم این موضوع، آشنایی و شناخت فرایندهای صدور انقلاب و بازتاب آن در کشورهای همسایه است. به اذعان اسپوزیتو^۳ و پیسکاتوری^۴، از صاحب‌نظران برجسته غربی در حوزه انقلاب اسلامی:

«دوست و دشمن متفق‌القولند که انقلاب ایران تأثیر به‌سزایی بر جهان اسلام و غرب داشته است». (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۳۲۵)

ایده انقلاب اسلامی سبب‌ساز تحولات گسترده‌ای شد. این ایده منجر به نضج‌گیری یک جنبش مردمی در سراسر جهان اسلام، از یوگسلاوی و مراکش در غرب گرفته تا اندونزی و فیلیپین در شرق

1. Robert Entman
2. Marshal McLuhan
3. Esposito
4. Piscatori

شد (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۰۳-۱۰۲). واقع مطلب آن است که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی به‌مثابه پدیده‌ای بی‌نظیر، بیشتر غیرمستقیم بوده است؛ به عبارتی یک قدرت افکنی نرم‌افزارانه انجام شده است. انوشیروان احتشامی نیز به این موضوع اشاره داشته و بر آن تأکید نموده است:

«مؤلفه‌های اعتقادی (منابع قدرت نرم) را باید منبع قدرتی دانست که سابقاً از سوی رژیم سلطنتی نادیده گرفته شده بود. این امر تأثیر خود را در قدرت ملی ایران در دوران پس از انقلاب بر جای گذاشت». (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۲۷)

مهم‌ترین رکن این قدرت افکنی، «الهام‌بخشی» بوده است. الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در عرصه‌هایی همچون «مقاومت»، «ظلم‌ستیزی»، «خودباوری و خودآگاهی»، «پیروزی و برتری ایمان و باور بر سخت‌افزارها» بسیار ملموس و قابل درک می‌باشد.

«در بیشتر کشورهای اسلامی، تأثیر ایران انقلابی، غیرمستقیم بوده و ایران عملاً نقش الگورا داشته است. مهم‌ترین تأثیرگذاری ایران انقلابی بر جهان اسلام در سطح افکار و ایدئولوژی است... نسل مسلمان پس از انقلاب (اسلامی ایران)، در سراسر جهان پذیرفته‌اند که اسلام برای اصلاح سیاسی و اجتماعی، برنامه دارد». (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۳۳۲-۳۳۱)

این الهام‌بخشی انقلاب اسلامی که در واقع همان قدرت افکنی ایران به‌شمار می‌آید، به‌گونه‌ای اثرگذار بود که توانسته برای کشورمان به‌مثابه یک عمق راهبردی نقش آفرینی داشته باشد.

«استکبار می‌داند که دل‌های مردم در بسیاری از کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا شرق آسیا با جمهوری اسلامی ایران است و این کشورها، عمق سیاسی و راهبردی ایران اسلامی محسوب می‌شوند». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۱/۱۴)

انقلاب اسلامی موجب پدیداری بارقه‌های امید در جهان اسلام شد و با ارتقای آگاهی و بیداری مسلمانان، روحیه شهادت و شجاعت لازم در آنان را برای مبارزه به‌وجود آورد و با ایجاد خودباوری نسبت به توان و امکانات درونی و شناخت افزون‌تر نسبت به تجربه تاریخی و عملی جنبش‌های آزادی‌بخش، جرأت حرکت‌های مردمی را برای مبارزه بر مبنای اندیشه‌های انقلاب اسلامی فزونی بخشید.

قدرت نرم و تسری مؤلفه‌های هویتی

هویت و تمدن نیز دارای عناصر و اجزایی از جنس قدرت نرم هستند که می‌توانند در

قدرت‌افکنی نقش و کارکردهای ویژه‌ای داشته باشند. وضعیت جمهوری اسلامی ایران، نمونه برجسته‌ای از این موضوع است. در کنار اسطوره‌ها، زبان و ادبیات فارسی، تاریخ باشکوه در زمره عناصر تمدنی هویت‌بخش و از مبانی قدرت نرم ایرانیان است. حوزه تمدنی ایران از چین تا آسیای مرکزی و قفقار و شبه قاره و... امتداد یافته است. این تاریخ و تمدن و فرهنگ درخشان، بیانگر جذابیت این سرزمین کهن بوده و موجب نگاه تحسین‌برانگیز و توأم با احترام به ایران زمین شده است. اجزای اسلامی هویت ایرانی نیز مقوم قدرت نرم ایران بوده و است. توحیدمحوری، عدالت‌مداری، مردم‌باوری، ظلم‌ستیزی به‌مثابه ارزش‌های دینی، نوعی حس اعتماد و یگانگی از خود ساطع می‌نمایند که باعث جذابیت گفتمان ایران اسلامی می‌شود. (هرسیج، نویسركانی، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۵۱)

قدرت نرم و خلق روایت‌های راهبردی

روایت‌های راهبردی، از مفاهیم مرتبط با قدرت نرم بوده که در قدرت‌افکنی نیز دارای نقش مهمی است. (Gill, 2020: 90) روایت‌ها چارچوب‌های منسجمی بوده و شامل یک وضعیت یا ترتیب اولیه است؛ به عبارتی روایت، تفسیری از مشکلی است که نظم را برهم می‌زند و راه‌حلی است که نظم را دوباره برقرار می‌سازد. (Ryzhova, 2019: 20) هدف اصلی یک روایت راهبردی، ارائه تفسیری از وقایع به‌منظور اقناع در مورد وضعیت‌های نهایی و پیشنهاد چگونگی رسیدن به آنجا است. (Wilkinson, 2015: 338)

روایت‌های راهبردی، ابزار مهمی هستند که باید در کنار منابع مادی به‌عنوان عامل تعیین‌کننده‌ای در مورد توانمندی قدرت‌ها در شکل دادن به یک همسویی نظام‌مند جدید، مورد توجه قرار گیرد. روایت‌های راهبردی، ابزاری است که از طریق آن قدرت‌ها می‌توانند منافع، ارزش‌ها و آرزوهای خود را به‌گونه‌ای بیان کنند که فرصتی را برای انتقال قدرت فراهم می‌نمایند. (Antoniades, Miskimmon, and O'Loughlin, 2010)

برخی پژوهشگران بر این باورند که روایت‌های راهبردی، ابزاری برای بازیگران سیاسی است که با آن فرصتی می‌یابند تا معنای مشترکی به گذشته، حال و آینده سیاست بین‌الملل برای شکل‌دهی به رفتار بازیگران داخلی و بین‌المللی دهند. (Miskimmon et al., 2017: 3) این روایت‌ها، شیوه‌های درک بازیگران از جهان اطراف آنها را شکل می‌دهد. (Antoniades et al., 2010: 10) روایت‌های راهبردی، چارچوب‌های مفهومی آینده‌نگر هستند. روایت‌های راهبردی به‌عنوان

یک چارچوب مرجع متقاعدکننده، در نظر گرفته شده است تا با نیازها و ارزش‌های مخاطبان هدف خود، همسوسه و بر رفتار مخاطبان تأثیر بگذارد. در فهم روایت‌های راهبردی به‌عنوان چارچوبی مرجع متقاعدکننده، توجه به این نکته مفید است که این چارچوب‌بندی بر اساس تفسیر خاصی از واقعیت است. روایت‌های راهبردی می‌تواند معنای اجتماعی رویدادها را تعریف کند. فرآیند انتخاب، تأکید و حذف پیام‌ها، ادراک خاصی از واقعیت را تشویق می‌کند که از طریق آن، روایت‌های راهبردی می‌توانند در ساخت اجتماعی واقعیت گنجانده شوند. روایت طراحی شده راهبردی، ابزاری ضروری برای بازیگران سیاسی برای گسترش نفوذ خود، مدیریت انتظارات و تغییر محیط گفتمانی است که در آن فعالیت می‌کنند. (Gill, 2020: 91-92)

قدرت نرم و صدور اندیشه دفاعی

از جوه برجسته اثربخشی قدرت نرم در قالب قدرت‌افکنی، توانمندی در صدور اندیشه دفاعی است. مصداق بارز این کارکرد، جمهوری اسلامی ایران است. در دوران دفاع مقدس، فرماندهان با شالوده‌شکنی از محاسبات سنتی و دستورالعمل‌های متعارف و با استفاده از یک تفکر ناهمگون، شیوه و اندیشه‌ای را در امور دفاعی پی‌ریزی نمودند که بر مبنای آن یک شیوه جنگ نوینی پیگیری شد. این اندیشه و شیوه جنگ که برآمده از مختصات مذهبی، فرهنگی و تاریخی و مبتنی بر داشته‌های بومی کشور می‌باشد، کارآیی و اثربخشی خود را به اثبات رساند و نه تنها توان مقابله را برای ایران اسلامی ایجاد کرد بلکه توان مضاعفی را به‌وجود آورد که نتیجه آن بازدارندگی بود. این اندیشه دفاعی به‌خودی خود از ظرفیت بالایی برای قدرت‌افکنی برخوردار بود. زمانی که این اندیشه و تفکر به جامعه دیگری که مختصاتش به جامعه ایران اسلامی شبیه است، رسوب و رسوخ می‌کند و دارای همان آثار و نتایج مثبت و پیروزی‌آفرین است؛ در واقع به نوعی توان قدرت‌افکنی جمهوری اسلامی ایران بروز و ظهور می‌کند، بنابراین به‌نظر می‌رسد نتیجه جنگ ۳۳ روزه که شکستی بی‌سابقه را برای رژیم صهیونیستی به‌دنبال داشت، به میزان زیادی تحت تأثیر اندیشه و تفکر دفاعی برآمده از جنگ تحمیلی (به‌ویژه بین سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۶۰) بود؛ در واقع پیروزی حزب‌الله لبنان برآیند کاربست اندیشه دفاعی ایران بود و می‌توان به‌عنوان مصداقی بارز در مورد ادعای مطرح شده در سطور بالا باشد. دکتر محسن رضایی به‌خوبی این موضوع را مورد اشاره قرار داده‌اند:

«ما در دوران جنگ توانستیم نظریه دفاعی ایران را شکل بدهیم، آن‌چنان که اگر این نظریه

دفاعی را بتوانیم به شکل کاملی به کشوری دیگر منتقل کنیم، تحولی اساسی در ساختار دفاعی این کشور انجام خواهد شد. برای مثال در لبنان نظریه دفاعی جدیدی وارد شده که توانسته این کشور را به نخستین کشور پیروز بر رژیم صهیونیستی در منطقه اعراب تبدیل کند. علت اینکه چنین تحولی در لبنان صورت گرفته این است که نظریه دفاعی سومی - جدا از نظریه دفاعی غرب و شرق - وارد لبنان شده است... این نظریه دفاعی، خودش آرایش‌ها، تاکتیک‌ها و راهبردها را مشخص می‌کند و ساختارهای دفاعی و آموزشی را شکل می‌دهد. در حقیقت، نظریه و اندیشه دفاعی ایران به لبنان منتقل شده است.» (رضایی، ۱۳۸۷: ۳۶)

به باور برخی تحلیلگران، جنگ ۳۳ روزه، یک جنگ نیابتی بود، (Darwish, 2006) بنابراین اگر تفکر و شیوه جنگ ایران توانست به حزب‌الله برای پیروزی در جنگی ناهمگون با رژیم صهیونیستی (با وجود ایجاد خسارت‌های فراوان) کمک نماید، این مطلب حکایت از تأیید مجدد کارآمدی تفکر دفاعی کشور دارد و همچنین نمود عینی قدرت‌افکنی تلقی می‌شود؛ توضیح آنکه همان‌گونه که گفتیم قدرت‌افکنی استفاده از منابع قدرت در راستای سوق دادن حریف/ دشمن برای انجام رفتار مورد نظر کشور می‌باشد. بر این مبنا، با توجه به تأثیرپذیری حزب‌الله لبنان از تفکر و شیوه جنگ ایرانی، این پیام را برای دشمنان کشور (به‌ویژه رژیم صهیونیستی و آمریکا) به همراه خواهد داشت که آنها فاقد توانایی لازم برای شکست دادن جمهوری اسلامی هستند که این مطلب جلوه‌ای از قدرت‌افکنی می‌باشد. این جلوه از قدرت‌افکنی جمهوری اسلامی که به‌واسطه آن جنبش‌هایی نظیر حزب‌الله، حماس و... که تحت تأثیر ایران بوده و از روش‌های دفاعی ایران الگوبرداری می‌نمایند، را برخی صاحب‌نظران نظیر ولی نصر مورد اشاره قرار می‌دهند. (Nasr, 2008: 101-103)

محققین برمبنای آنچه بیان گردید معتقدند که با توجه به تولید و استفاده از قدرت نرم در فرایند قدرت‌افکنی به‌عنوان ابزار دستیابی به اهداف بدون دستور و تهدید، به دلایل زیر پیش‌برنده منافع و تأمین‌کننده امنیت کشور خواهد بود:

- (۱) با استفاده از قدرت نرم می‌توان «اعتبار» خود را افزایش و در مقابل، «اعتبار» حریف را کاهش داد.
- (۲) با استفاده از قدرت نرم می‌توان دیگران را جذب نمود. جذب باعث رضایت می‌شود و رضایت، عدم مقاومت را به همراه دارد.
- (۳) قدرت نرم قادر است ضمن بازپیرایی/پالایش قالب‌های فکری، انگیزه‌ها را نیز (در سطح

داخلی و بین‌المللی) بسیج نماید.

(۴) قدرت نرم، تابعی از برخورداری از زرادخانه قدرت نرم، توان ایده‌پردازی و مفهوم‌سازی می‌باشد.

جدول ۱. نمایی کلی از کارکردهای شناسایی شده

ردیف	کارکرد
۱	قدرت نرم به‌مثابه فیلتر شناختی
۲	قدرت نرم و اجرای راهبردها
۳	قدرت نرم و آینده‌سازی
۴	قدرت نرم و شکل‌دهی به اولویت‌ها و ترجیحات
۵	مقاومت بالای قدرت نرم در برابر کنترل‌پذیری
۶	قدرت نرم و ترسیم تصویر ملی
۷	قدرت نرم و کاربست دیپلماسی نظامی
۸	قدرت نرم و گفتمان‌سازی
۹	قدرت نرم و صدور الگو
۱۰	قدرت نرم و تسری مؤلفه‌های هویتی
۱۱	قدرت نرم و خلق روایت‌های راهبردی
۱۲	قدرت نرم و صدور اندیشه دفاعی

(۲) اعتبارسنجی یافته‌های نظری

به‌منظور تجزیه و تحلیل سؤال تحقیقی و بر اساس پرسشنامه‌های تنظیم‌شده که بین جامعه نمونه توزیع گردیده و پاسخ‌های اخذ شده از آنها مقادیر به‌دست آمده برای یافته‌ها در قالب جدول زیر درج و میانگین وضع موجود، وزن، وزن موزون و امتیاز موزون برای هر یک از سؤالات به صورت جداگانه محاسبه شده است:

بر اساس تجزیه و تحلیل به‌عمل آمده از پرسشنامه‌های دریافتی و طبق طیف لیکرت پاسخ هر سؤال محاسبه شده است. میانگین نمره قبولی ۳ به بالا می‌باشد.

۱- میانگین امتیاز هر عامل بر اساس طیف لیکرت محاسبه شده است،

۲- با استفاده از نظر خبرگی وزن هر عامل از ۱ تا ۵ مشخص شده است،

۳- میانگین امتیاز هر عامل بر جمع کل میانگین امتیاز تقسیم شده و وزن موزون هر عامل

به‌دست آمده است،

۴- وزن موزون هر عامل ضربدر میانگین کل شده و امتیاز وزن موزون هر عامل به دست آمده است. جدول زیر در قالب طیف لیکرت (خیلی زیاد - زیاد - متوسط - کم - خیلی کم) و بر اساس نمره ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ تنظیم شده است؛ به عبارتی عواملی که میانگین نمره ۳ به بالا (متوسط) بگیرند، تأیید می‌گردند. تعداد ۱۲ سؤال بسته به جامعه نمونه واگذار شده که پس از پاسخگویی تمام سؤالات مورد تأیید قرار گرفته است. جدول زیر بیانگر کارکردهای قدرت نرم در قدرت‌افکنی بوده که به تأیید جامعه نمونه رسیده است.

جدول ۲. کارکردهای قدرت نرم در قدرت‌افکنی

امتیاز موزون	وزن موزون	میانگین	وزن	گویه‌ها
۰/۳۷۷	۰/۰۸۲	۴/۶	۴	به نظر شما قدرت نرم به‌مثابه فیلتر شناختی به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۳۷۷	۰/۰۸۲	۴/۶	۴	به نظر شما قدرت نرم به‌مثابه عاملی مؤثر در اجرای راهبردها به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۳۶۳	۰/۰۸۱	۴/۵	۴	به نظر شما قابلیت قدرت نرم به‌مثابه عاملی مؤثر در آینده‌سازی به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۳۶۳	۰/۰۸۱	۴/۵	۴	به نظر شما قابلیت قدرت نرم به‌مثابه عاملی مؤثر در شکل‌دهی به اولویت‌ها و ترجیحات به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۳۵۹	۰/۰۷۸	۴/۳	۴	به نظر شما مقاومت بالای قدرت نرم در برابر کنترل‌پذیری به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۴۰۵	۰/۰۸۸	۴/۹	۵	به نظر شما نقش قدرت نرم به‌مثابه عاملی مؤثر در ترسیم تصویر ملی به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۳۶۳	۰/۰۸۱	۴/۵	۴	به نظر شما قدرت نرم به‌مثابه عاملی مؤثر در کاربست دیپلماسی نظامی به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۳۷۷	۰/۰۸۲	۴/۶	۵	به نظر شما قدرت نرم به‌مثابه مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در گفتمان‌سازی به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۳۷۷	۰/۰۸۲	۴/۶	۴	به نظر شما قدرت نرم به‌مثابه عاملی مؤثر در صدور الگو به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۳۹۶	۰/۰۸۶	۴/۸	۵	به نظر شما قدرت نرم به‌مثابه عاملی در تسری مؤلفه‌های هویتی به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟

۰/۴۰۵	۰/۰۸۸	۴/۹	۵	به نظر شما قدرت نرم به‌مثابه عاملی مؤثر در خلق روایت‌های راهبردی به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
۰/۴۰۵	۰/۰۸۸	۴/۹	۵	به نظر شما قدرت نرم به‌مثابه عاملی مؤثر در صدور اندیشه دفاعی به چه میزان در قدرت‌افکنی مؤثر است؟
-	۱	۵۵/۷	۵۳	جمع کل
-	-	۴/۶	۴/۴	میانگین

تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که از کارکردهای اشاره‌شده، ۵ کارکرد قدرت نرم در «ترسیم تصویر ملی، گفتمان‌سازی، تسری مؤلفه‌های هویتی، خلق روایت‌های راهبردی و صدور اندیشه دفاعی» از نظر خبرگان، اثرگذاری بیشتری در قدرت‌افکنی دارند و کارکردهای قدرت نرم در شناخت، اجرای راهبردها، آینده‌سازی، شکل‌دهی به اولویت‌ها و ترجیحات، مقاومت بالای در برابر کنترل‌پذیری، کاربست دیپلماسی نظامی و صدور الگو» در اولویت بعدی کارکردهای یادشده قرار دارند.

مدرك تحصیلی	تعداد	رشته تحصیلی	تعداد
دکتری	۳۲	امنیت ملی	۱۷
کارشناسی ارشد	۸	جامعه‌شناسی	۱۰
-	-	علوم سیاسی	۱۰
-	-	مطالعات فرهنگی	۳

تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد ۱۰۰ درصد دارندگان مدرک دکتری و ۸۰ درصد از نمونه آماری با مدرک کارشناسی ارشد، بیشترین وزن و اهمیت را برای کارکردهای «ترسیم تصویر ملی، گفتمان‌سازی، تسری مؤلفه‌های هویتی، خلق روایت‌های راهبردی و صدور اندیشه دفاعی» قائل شده‌اند، این یافته به نوعی بیانگر اعتبار یافته‌های تحقیق است؛ به عبارتی هر چه مقطع تحصیلی پرسش‌شوندگان افزایش یافته، درک بهتری از اهمیت کارکردهای یادشده ایجاد شده است. در خصوص تجزیه و تحلیل ارتباط بین رشته‌های تحصیلی و یافته‌های تحقیق می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۸۲ درصد پرسش‌شوندگان فارغ‌التحصیل رشته‌های امنیت ملی و علوم سیاسی، بیشترین وزن را به کارکردهای «ترسیم تصویر ملی، گفتمان‌سازی، تسری مؤلفه‌های هویتی، خلق روایت‌های راهبردی و صدور اندیشه دفاعی» داده‌اند که به نوعی نشان‌دهنده فهم دقیق‌تر این رشته‌ها از مباحث

قدرت نرم و قدرت افکنی است، گفتنی است پرسش‌شوندگان با مدرک جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی نیز با ۷۱ و ۶۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

- ۹۰ درصد از پرسش‌شوندگان دارای مدرک جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی بیشترین اهمیت را به کارکردهای قدرت نرم به‌مثابه «فیلتر شناختی»، «عاملی مؤثر در آینده‌سازی»، «شکل‌دهی به اولویت‌ها و ترجیحات»، «عاملی در برابر کنترل‌پذیری»، «صدور الگو» داده‌اند.

- ۹۳ درصد دارندگان مدرک دکتری با رشته‌های امنیت ملی و علوم سیاسی بر کارکردهای قدرت نرم به‌مثابه «عاملی مؤثر در اجرای راهبردها» و «عاملی مؤثر در کاربست دیپلماسی نظامی» تأکید نموده‌اند.

در مجموع باید گفت فهم روشنی از قدرت نرم و ارتباط آن با قدرت افکنی، با اندکی بسامد، در اذهان نمونه آماری با مدارک و مقاطع گوناگون تحصیلی، وجود دارد و براساس این فهم بین‌الذهانی، یافته‌های تحقیق را مورد تأیید قرار داده‌اند.

اگر قدرت افکنی، الزامی برای بازدارندگی است (عسگری، ۱۳۹۰)، بنابراین گریزی از توجه به قدرت نرم به‌مثابه ابزاری کارآمد در این مسیر نیست؛ چرا که براساس تحلیل نظرات خبرگان، قدرت نرم قادر به پیرایش و بازسازی محیط و تصویر ملی کشور در اذهان ملل و دولت‌های گوناگون است. قدرت نرم یکی از دو بال کشورها در نیل به اهداف و تأمین منافع و امنیت ملی است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد هدف اصلی این مقاله شناسایی کارکردهای قدرت نرم در قدرت افکنی بود که پس از ارائه مباحث نظری، این کارکردها از بطن ادبیات و متون موجود، استخراج گردید و مطابق با نظر خبرگان نمونه آماری، مشخص و تأیید گردید که براساس دیدگاه آنها هم قدرت نرم در قدرت افکنی نقش و سهم انکارناپذیری دارد و هم اینکه کارکردهای شناسایی شده مورد تأیید قرار گرفت.

تدقیق در قدرت نرم و کارکردهای آن، حکایت از آن دارد که این مؤلفه قدرت، دارای انواع کارکردهای مختلفی است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از هرکدام از آنها در قدرت افکنی بهره‌مند شد. بررسی تحلیل محققین نشان می‌دهد از میان عوامل و کارکردهای گوناگونی که ذیل قدرت نرم مطرح می‌شود، چند مورد از اهمیت بسزایی برخوردارند؛ به‌گونه‌ای که توجه به آن، باعث موفقیت روزافزون

دولت و ملت در قدرت‌افکنی نرم خواهد شد که عبارت‌اند از: قدرت نرم به‌مثابه فیلتر شناختی؛ قدرت نرم و اجرای راهبردها؛ قدرت نرم و آینده‌سازی؛ قدرت نرم و شکل‌دهی به اولویت‌ها و ترجیحات؛ مقاومت بالای قدرت نرم در برابر کنترل‌پذیری؛ قدرت نرم و ترسیم تصویر ملی؛ قدرت نرم و کاربست دیپلماسی نظامی؛ قدرت نرم و گفت‌وگو؛ قدرت نرم و صدور الگو؛ قدرت نرم و تسری مؤلفه‌های هویتی؛ قدرت نرم و خلق روایت‌های راهبردی.

با توجه به کارکردهای شناسایی شده، محققین معتقدند که قدرت نرم می‌تواند باعث تولید روند شود و با استفاده از «قدرت روند» می‌توان قدرت‌افکنی نرم‌افزارانه داشت. کشورهایی که دارای امتداد تمدنی - مذهبی در سایر ملل هستند ظرفیت‌های فراوانی برای قدرت‌افکنی دارند و این برای کشوری همچون ج.ا.ایران که بیش از ابعاد سخت‌افزارانه، بر ماهیت نرم‌افزارانه قدرت خود تأکید دارد، نمود و تجلی بیشتری است؛ شاهد مثال آن هم تجارب دوران پس از جنگ تحمیلی است که نشان می‌دهد جنبش‌های مردمی (خارج از کشور) می‌توانند به‌مثابه بازویی کارآمد در فرایند قدرت‌افکنی مورد استفاده قرار گیرند، بنابراین با تمرکز بر این قبیل جنبش‌ها، می‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت، بنابراین دولتمردان کشور باید با تأکید ویژه بر الهام‌بخشی به‌مثابه مقوله‌ای که با «قلوب» سروکار دارد و قدرت نرم که با «آذهان» تعامل دارد و نیز با استفاده از ابزارهای همچون دیپلماسی نظامی (دفاعی) که از آن به‌مثابه جنگ روانی نظامی یاد می‌شود، بتواند با ادراک‌سازی در ارائه تصویر مقتدر، مسئولیت‌پذیر، ثبات‌بخش و امنیت‌آفرین از جمهوری اسلامی، فعالیت‌های پردامنه‌ای را انجام دهد. قدرت نرم، ظرفیت‌ساز و قابلیت‌پرور بوده و نقش معناداری در پیش‌برندگی قدرت‌افکنی برعهده دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- امام خامنه‌ای، سیدعلی. (بیانات). قابل دسترسی در: Khamenei.ir
- آتشی، عهدیه. حافظنیا، محمدرضا. رومینا، ابراهیم. پورعزت، علی اصغر (۱۴۰۱). شاخص‌های سنجش عملکرد قدرت نرم حکومت‌ها در مدیریت سیاسی فضا (از دیدگاه جغرافیای سیاسی). مطالعات قدرت نرم. ۱۲(۳۰)، ۲۳۴-۲۰۵.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی. ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی. پژوهش حقوق عمومی. ۵(۸)، ۳۹-۷۳.
- پانوف، میشل. پرون، میشل (۱۳۳۸). فرهنگ مردم‌شناسی. ترجمه اصغر عسگری خانقاه. تهران: نشر ویس.
- تقوی رضائی، فاطمه. سلطانی‌فر، محمد. درزیان رستمی، حسن. حسینی‌دانا، حمیدرضا (۱۴۰۲). رسانه‌های نوین ابزار قدرت نرم در دیپلماسی دولت‌ها. مطالعات قدرت نرم. ۱۳(۳۲)، ۵۶-۲۹.
- حسینی، محمدجواد. اردشیر، سنائی (۱۳۹۷). مؤلفه‌های قدرت نرم چین در آفریقا. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. ۱۰(۲)، ۹۷-۶۶.
- دادگران، محمد (۱۳۷۷). مبانی ارتباطات جمعی. تهران: انتشارات فیروز.
- دوورژه، موریس (۱۳۵۸). جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: جاویدان.
- راسل، برتراند (۱۳۶۷). قدرت. ترجمه نجف دریابندری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- رضایی، محسن (۱۳۸۷). جنگ تحمیلی و پایه‌ریزی قدرت ملی. فرهنگ پایداری. سال ۱(۳).
- صادقی، علی (۱۴۰۱). واکاوی ابعاد و مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی. مطالعات قدرت نرم. ۱۲(۲۸)، ۲۳۴-۲۰۹.
- عسگری، محمود (۱۳۹۰). قدرت‌افکنی؛ الزامی برای بازدارندگی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۲). رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا. تهران: انتشارات اطلاعات.
- مرادزاده، علی (۱۳۹۸). جنگ نرم، جنگ شناختی و قدرت نرم. تهران: نشر ناد.
- معمدنژاد، کاظم (۱۳۸۰). جهانی شدن یا جهانی سازی. پژوهش و سنجش. ۸(۲۵)، ۱۴۸-۱۳۶.
- نای، جوزف (۱۳۸۳). کاربرد قدرت نرم. ترجمه سیدرضا میرطاهر. راهبرد دفاعی. ۲(۶).

- نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم. ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- هرسیج، حسین. تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹). تأثیر مؤلفه‌های هویت ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات فرهنگی ایران. ۳(۹)، ۱۵۱-۱۸۱.
- Adler, Emanuel. (January 2009). "The House is on Fire: Nato's Regional Security Dialogue and Iran's Power Projection". *Strategic Assessment*. Vol 29 (3).
- Anholt, S. (2009). "The media and national image". *Place Brand Public Dipl.* 5. 169-179.
- Antoniades, Andreas; Alister Miskimmon, and Ben O'Loughlin. (2010). *Great Power Politics and Strategic Narratives*. Working Paper. No. 7. Center for Global Political Economy. University of Sussex.
- Berger, Peter. (1997). "Four Faces Global Culture". *National Interest*. Issue 46. Fall.
- Chony, Alan. (2007). The Foreign Policy Potential of Small State Soft Power Information Strategies. Available at: <http://archive.sgir.eucuploads>.
- Chubin, Shahram. (Feb-March 2009). "Iran's Power in Context". *Survival*. Vol 51 (1).
- Darwish, Adel. (2006). Hezbollah and Israel: The Proxy War. July, available at: www.mideastnews.com/Lebanono6july.html
- Entman, Robert. (2003). *Projections of Power: Framing News, Public Opinion, and U.S. Foreign Policy*. Chicago: University of Chicago Press.
- Gill, Monika. (2020). "Capitalism, Communications, and the Corps: Iran's Revolutionary Guard and The Communications Economy". *Defence Strategic Communications*. Vol 9, 87-119.
- GÜNEK, Abdulsamet. (2018). "A New Type of Soft Power: Country Branding". *International Journal of Cultural and Social Studies*. Vol 4 (Issue 1).
- Gunzinger, Mark. (1993). *Power Projection: Making the Tough Choices*. Alabama: Maxwell Air Force Base.
- Hardy, Cynthia. (1999). Discourse as a Strategic Recourse, Paper to be Presented at the Critical Management Studies Conference, Manchester, 14-16 July. Available at: www.mngt.waikato.ac.nz.
- Joffe, George. (2001). *European Multilateralism and Soft Power Projection in the Mediterranean, in Tanner, the European Union as a Security Actor in the Mediterranean*. Zurich: Center for Security Studies.
- Kinsey, Dennis F. Chung, Myojung. (2013). National Image of South Korea: Implications for Public Diplomacy. *Exchange: The Journal of Public Diplomacy*. Vol. 4. Issue. 1 .

- Knight, Darric. (2007). *Iran and Strategic Power Projection: The Iran – Iraq War as a Foundation of Understanding*. Kansas: United States Army Command and General Staff College.
- Krishnaswamy, S. (2007). "Shaping of the Indian Military". *Indian Defence Review*. Vol 22. No 2.
- Lohse, Morgan P. (2019). *From Power Projection to Power Protection*. Alabama: Air University Press.
- Lum, Thomas & Others. (August 2008). Comparing Global Influence, China's and U.S. Diplomacy. available at: www.fas.org
- Mayerchak, Patrick M. (2008). "Soft Military Power & Regional Security Cooperation in Southeast Asia". *Prepared for the 49th Annual ISA Annual Convention*. March 25-29. San Francisco. California.
- Miskimmon, Alister. (2017). *Forging the World: Strategic Narratives and International Relations*. MI: University of Michigan Press.
- Nasr, Vali. (Sep 2008). "The Implications of Military Confrontation with Iran". In: Dennis Ross. Suzanne Maloney. Ashton Carter. Vali Nasr. *Iran: Assessing U.S. Strategic Options*. New York: Center for a New American Security.
- Nye, Joseph. (2002). *The Paradox of American Power*. Oxford: Oxford University Press.
- Nye, Joseph. (2004). Benefits Soft Power. Available at: www.hbswk.hbs.edu/item.
- Nye, Joseph. (3 July 2008). Joseph Nye on Smart Power. available at: <http://www.hks.harvard.edu/newsevents/publications/insight/international/joseph-nye>
- Nye, Joseph. (February 2006). "Think Again: Soft Power". *Foreign Policy*.
- Ryzhova, Anna. (2019). Strategic Narratives and Public Diplomacy in the Russian News Media Portrayal of Sweden: Case of Russia Today, a Master Thesis in Global Studies, University of Gothenburg, Sweden. Available at: <https://gupea.ub.gu.se/handle/2077/61722>.
- Sengupta, Anita. (2016). *Symbols and the Image of the State in Eurasia*. Singapore: Springer.
- Shea, Timothy. (July 2005). "Transforming Military Diplomacy". *JFQ*. Issue thirty-eight.
- Thompson, Scott. (1978). *Power Projection*. New York: National Strategy Information Center.
- Ullman, Harlan. (2006). "Turning Mahan on His Head". United States Naval Institute. *Proceedings* 132. No. 7.
- Wang, J. (2006) Managing national reputation and international relations in the global era: Public diplomacy revisited. *Public Relations Review*. 32 (2): 91–96.

- Wehrey, Frederic and others. (2009). Dangerous But not Omnipotent. Available at: www.rand.org_pubs/monographs/MG781.
- Wilkinson, Cai. (2015). "The Unsaid and Unseen: on Hearing Silences and Seeing Invisibilities in Strategic Narratives". *Critical Studies on Security*. 3, 3. 338-340.
- Willard, James. (2006). *Military Diplomacy: An Essential Tool of Foreign Policy at the Theater Strategic Level*. Kansas: United States Army Command and General Staff College.
- Yashairo, Matsuda. (2005). An Essay on the China's Military Diplomacy. Available at: www.nids.go.jp.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی